

نقش ولی فقیه در تحقق جامعه قرآنی

(تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۷)

سمیه کلهری*

چکیده

یکی از دغدغه‌های دائمی بشر که پیوسته برای رسیدن به آن در تلاش بوده، تأسیس مدینه فاضله است. همین انگیزه باعث شده است مکاتب گوناگون فکری و عقیدتی در جهان رخ بنمایند و هر یک طریقی را برای رسیدن به آرمان شهر مورد نظر بشر ارائه دهند. در میان همه مکاتب، اسلام به‌عنوان آخرین مکتب آسمانی و کامل‌ترین آن‌ها حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. قرآن در راستای هدایت انسان‌ها به آرمان شهر مورد انتظار، ویژگی‌هایی را برای مدینه فاضله ترسیم نموده است. در این پژوهش، نخست با استفاده از آیات قرآن کریم، ویژگی‌های آرمان شهر مورد نظر قرآن استخراج و سپس در پرتو وظایفی که اسلام برای حاکم اسلامی بیان نموده است، نقش ولی فقیه در تحقق جامعه قرآنی تبیین و تشریح شده است.

واژگان کلیدی: مدینه فاضله، مسئولیت‌های ولی فقیه، ویژگی‌های مدینه فاضله، جامعه قرآنی، ولایت فقیه.

مقدمه

انسان در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، همواره در پی برپایی آرمان شهر یا همان مدینه فاضله و رسیدن به زندگی توأم با آرامش و دوستی و در یک کلام رسیدن به سعادت مادی و معنوی بوده است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های پیدایش مکاتب مختلف بشری را نیز در همین موضوع جستجو کرد؛ چراکه هر کسی که از مکتبی پیروی می‌کند، بر این باور است که آن مکتب، با آموزه‌های خود، سعادت مادی

و معنوی او را تأمین می‌کند. روشن است که در این میان مکاتب الهی، به دلیل منشأ آسمانی‌شان، اهمیت بسزایی دارند و از میان همه مکاتب الهی نیز، مکتب اسلام، به دلیل اینکه اولاً آخرین و کامل‌ترین دین الهی است و نیز کتاب مقدس آن، دست‌کم از نظر الفاظ، دستخوش تغییر و تبدیل و تحریف نگردیده است، اهمیت ویژه‌ای دارد. اینکه آرمان‌شهری که اسلام برای پیروان خود و برای همه بشریت ترسیم می‌کند، چه ویژگی‌هایی دارد، بحثی است که از موضوع این مقاله بیرون است و در خلال گفتارهای اندیشمندان مسلمان کم و بیش بدان پرداخته شده است؛ اما پرسش اساسی این گفتار این است که رهبر جامعه اسلامی چه نقشی در تحقق آرمان‌شهر اسلامی دارد؛ به بیان دیگر پتانسیل‌های موجود در ولی فقیه، به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی برای برپایی و اداره جامعه مطلوب قرآن چیست؟ و پیروی از ولی فقیه و حمایت همه‌جانبه مسلمانان از او در تحقق جامعه آرمانی اسلام، از نگاه قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) چه تأثیری دارد؟

هرچند تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری در زمینه نظریه ولایت فقیه و مسائل پیرامون آن نگاشته شده است، اما به نقش ولی فقیه در تحقق جامعه آرمانی مورد نظر قرآن چندان توجه نشده است و این مقاله از نخستین کوشش‌ها در این زمینه به شمار می‌رود.

بحث و بررسی

۱- واژه‌شناسی پژوهش

پیش از ورود به بحث نخست باید مفهوم واژگان کلیدی پژوهش را بررسی و حوزه معنایی آن‌ها را سنجید و به تعریفی جامع و مانع از واژگانی مثل «ولی فقیه» و «جامعه قرآنی» دست یافت.

۱-۱- مفهوم‌شناسی ولی

«ولی» که یکی از واژگان پرکاربرد در قرآن است، در لغت به معنای قرب و نزدیکی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶، ۱۴۱) از دیدگاه راغب مفهوم اصلی این واژه به معنای قرار گرفتن دو چیز در کنار هم به‌گونه‌ای است که هیچ فاصله‌ای بین آن دو نباشد. (راغب، ۱۴۰۴: ۵۳۳) که این معنا نیز همان معنای نزدیکی را می‌رساند. همچنین این واژه در معنای نصرت و یاری هم به کار رفته است (راغب، ۱۴۰۴: ۵۳۳) که در این

کاربرد نیز مفهوم نزدیکی در تقدیر است؛ یعنی تا زمانی که نزدیکی، اعم از نزدیکی مکانی یا معنوی، بین دو چیز نباشد، نمی‌توانند همدیگر را یاری کنند. یکی دیگر از معانی «ولاء» متابعت است. (راغب، ۱۴۰۴: ۵۳۵) و در اینجا نیز مفهوم نزدیکی در تقدیر گرفته شده است؛ چون تا زمانی که نزدیکی فکری یا معنوی بین دو فرد یا دو چیز نباشد، متابعت صورت نمی‌گیرد؛ و از همین معنای متابعت است که مفهوم سرپرستی و ولایت امر انتزاع می‌یابد؛ چون زمانی که بین دو چیز تبعیت ایجاد شود، متبوع، عهده‌دار امر تابع می‌شود و هر کاری که متبوع انجام دهد، تابع نیز همان کار را انجام می‌دهد و بدین ترتیب مفهوم تبعیت تبلور می‌یابد. این واژه در فرهنگ عرب به تدریج گسترش یافته و در مورد هرگونه نزدیکی مکانی یا معنوی میان دو چیز به کار رفته است: مثلاً اگر شخصی، بنده‌ای را آزاد کند، نسبت به آن بنده آزادشده «ولایت عتق» پیدا می‌کند و در صورتی که بمیرد، ماترکش به آزادکننده‌اش می‌رسد. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۵، ۲۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۵، ۴۱۰) از همین رو است که عرب به هم‌پیمان و عموزادگان و همسایه نیز «ولی» یا «موالی» اطلاق می‌کند. (راغب، ۱۴۰۴: ۵۳۵) «ولی» از واژگانی است که هم در معنای فاعلی (والی) و هم در معنای مفعولی کاربرد دارد. (راغب، ۱۴۰۴: ۵۳۳)

۲-۱- مفهوم‌شناسی فقیه

فقیه در لغت از واژه «فقه» اشتقاق یافته و فقه در لغت به معنای فهمیدن است. (قرشی، ۱۳۸۱: ۵، ۱۹۷) ابن فارس و جوهری، «فقه» را از واژگانی می‌دانند که تنها یک ریشه معنایی دارند و آن همان ادراک یک‌چیز و علم بدان است که بعدها در علم دین اختصاص یافته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴، ۴۴۲؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۶، ۲۲۴۳) اما خلیل آن را در مفهوم علم دین معین نموده است. (فراهیدی، بی‌تا: ۳، ۳۷۰)

۳-۱- مفهوم‌شناسی ولایت فقیه

با توجه به معنای لغوی واژگان «ولی» و «فقیه» می‌توان به تعریفی روشن از ولایت فقیه دست یافت. بر این اساس، ولایت فقیه هرگز به معنای «حاکمیت اراده شخص فقیه» نیست؛ بلکه مقصود فقها از آن «اراده البلاد و ساسه العباد» است؛ یعنی ولایت فقیه یک امر اعتباری عقلایی است و تمام اختیاراتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) برای اداره جامعه داشتند، برای فقیه جامع‌الشرایط نیز ثابت است و

این ولایت واقعیتهایی جز جعل ندارد و فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام است. (خمینی، ۱۳۷۵: ۵۱) پس همان گونه که ولایت رسول الله از مقام نبوت او برخاسته بود و بدین جهت نبوت و شریعت او، ولایتش را در حد همان قوانین شرع محدود می کرد، ولایت فقیه هم که از مقام فقاها فقیه برخاسته است، محدود به همان فقاها او است؛ به بیان دیگر این فقه فقیه است که حکومت می کند نه شخص فقیه و اراده شخصی او؛ یعنی شخصیت حقوقی ولی فقیه است که حکومت می کند، نه شخصیت حقیقی او. چنان که امام خمینی می فرماید: «ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه این که برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست، بلکه وظیفه ای خطیر است» (خمینی، ۱۳۷۵: ۴۰) پس ولی فقیه کسی است که بر اساس قوانین شرع بر جامعه مسلمانان رهبری می کند. منظور از جامعه قرآنی نیز مدینه فاضله ای است که قرآن آن را برای پیروان خود ترسیم نموده است. حال باید دید ویژگی های مدینه فاضله مورد نظر قرآن کدام است.

۲- ویژگی های جامعه قرآنی

قرآن کریم در خلال مباحث هدایتی گوناگونی که مطرح نموده، به بحث مدینه فاضله و آرمان شهر بشر نیز اشاره نموده است؛ در یک کلام کلی می توان گفت که یکی از اهداف هدایتی قرآن، راهنمایی بشر در ساختن آرمان شهری است که در آن سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر تأمین شود. از دیدگاه قرآن، این آرمان شهر ویژگی هایی دارد که در ادامه به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

۲-۱. حاکمیت توحید

اولین و اساسی ترین ویژگی جامعه قرآنی اعتقاد به خداوند متعال و حاکمیت توحید در همه ابعاد آن است. در چنین جامعه ای فرهنگ ها به سوی یگانگی و در نهایت ادغام با یکدیگر پیش می رود. (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۷ - ۵۶) از نظر قرآن این مطلب مسلم است که حکومت نهایی از آن حق است و سرانجام جهان، نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن تقوا و متقیان است (توبه/۲۳؛ اسراء/۸۱؛ فتح/۲۸) ﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَقَطَعَ ذَائِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾؛

«خدا می‌خواست حق را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند؛ هرچند بزهکاران خوش نداشته باشند.» (انفال/ ۷ و ۸) بنابراین، آرمان شهری که اسلام وعده تشکیل آن را می‌دهد، مبتنی بر توحید و حاکمیت حق است.

۲-۲. حاکمیت عدالت

قرآن کریم درباره حاکمیت عدالت در سراسر حیات انسان و جهان سخن گفته و در آیات متعددی مردم را به قیام همگانی به قسط و عدل و دادگری فرمان می‌دهد. (نساء/ ۵۸؛ مائده/ ۸ و ۴۲؛ اعراف/ ۲۹؛ حدید/ ۲۵؛ شوری/ ۱۵؛ حجرات/ ۹) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هرچند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد.» (نساء/ ۱۳۵) از دیدگاه اسلام ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل رشدبخش عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی، از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جامعه‌ها و پیدایش و شکوفایی تمدن‌هاست؛ همچنان که خروج از شاهراه عدل و داد و بیگانگی با قسط و انصاف و گرایش به ظلم و جور از عوامل مهم آشفستگی اجتماعی و پسرفت ملت‌ها و فروپاشی نظام‌ها و زوال و فنای تمدن‌هاست. به همین دلیل است که قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح و برای تحقق همه‌جانبه و حقیقی آن در کران تا کران جوامع و تمدن‌ها تلاش می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵، ۱۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۱۶۳؛ کرمی فریدنی، ۱۳۸۵: ۴۳۶) بنابراین، دومین ویژگی آرمان‌شهر اسلام، این است که در آن عدالت به معنای تام و کامل آن حاکم است.

۳-۲. حاکمیت قانون الهی

حکومت اسلام حکومت قانون است. در این حکومت، حاکمیت منحصر به خداست ﴿إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ﴾ (انعام/ ۵۷؛ یوسف/ ۴۰ و ۶۷) و قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد، تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خداوند نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم جاری شده است. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۰۸)

۴-۲- آزادی در چارچوب قانون الهی

یکی از ویژگی‌های جامعه قرآنی نعمت اوج‌بخش آزادی است که پس از حق حیات، از طبیعی‌ترین حقوق انسانی و از ابتدایی‌ترین شرایط رشد و شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های اوست. همان‌گونه که یک شاخه گل یا یک نهال زیبا، تنها در شرایط مساعد و در حال و هوای آزاد ریشه می‌دواند، رشد می‌کند و به بار می‌نشیند، توانایی‌های گوناگون فرد و خانواده و جامعه متمدن نیز تنها در محیط مناسب، شرایط مساعد، فضای باز و انسانی و جو آزاد و عادلانه و سرشار از امید و امنیت می‌تواند شکوفا و بارور گردد. درست از این جهت است که انسان همواره شیفته و سرگشته آزادی است. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۵: ۶۶۲) البته پرواضح است که هیچ‌گاه آزادی افراد نامحدود نمی‌تواند باشد و هر چند از نظر امکان، آزادی نامحدود غیرممکن نیست، ولی آزادی نامحدود، دیگر انسان‌ها و حتی حیوانات و عالم طبیعت را تهدید و تخریب می‌کند و موجبات نابودی خود انسان را نیز فراهم می‌آورد؛ چنان‌که استفاده بی‌قید و شرط از صنعت و فناوری در عصر حاضر باعث گرم شدن کره زمین و آلودگی شهرها و سوراخ شدن لایه ازن شده و بدین ترتیب سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته است؛ اما همین بحث که چه چیزی صلاحیت تحدید آزادی انسان را دارد، خود بحثی جداس است که از دیرباز اندیشمندان بدان پرداخته و کم و بیش درباره آن داد سخن رانده و حدودی را برای آن تعیین کرده‌اند؛ اما از میان همه مفاهیم تحدیدکننده آزادی، تنها مفهوم قانون الهی است که می‌تواند آزادی بشر را محدود کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۵) پس در نتیجه می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های جامعه قرآنی، آزادی در چارچوب قانون الهی است.

۴-۵- سرزندگی و شادابی

قرآن کریم در آیات متعددی فرد و جامعه توحیدگرا، باایمان و عدالت‌خواه را به بینا و شنوا؛ و فرد و جامعه کفرپیشه و نظام خودکامه و حق ناپذیر را به نابینا و ناشنوا و گنگ تشبیه می‌کند. (ر.ک: بقره/۱۸ و ۱۷۱؛ انعام/۳۹) نابینایی و ناشنوایی به معنای افسردگی و دل‌مردگی فرد و جامعه است و به تبع آن شنوا و بینا بودن یکی از مهم‌ترین اسباب و ابزارهای سرزندگی و شادابی است. امروزه نیز شاهد هستیم که در جوامعی که توحید و ایمان حاکم است، بیماری‌های روانی از قبیل افسردگی، اضطراب، خودکشی و ... کمتر از جوامعی است که مردم آن بی‌ایمان و کافر هستند؛ بنابراین سرزندگی و شادابی که از نتایج ایمان و توحید است، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه قرآنی است.

۶-۲. حاکمیت آرمان‌های والا

حکومت اسلامی، افزون بر بعد عقیدتی آن که بر ایمان به خدا و پرستش او متمرکز است، حکومت آرمان‌ها و ارزش‌هاست و این بدان خاطر است که آرمان‌ها و ارزش‌ها در جامعه قرآنی نقشی پررنگ دارند. حکومت اسلامی نیز تنها به سازمان‌دهی، ایجاد امنیت و آرامش، برآوردن نیازهای مادی انسان و جامعه نظیر خوردن، آشامیدن، مسکن، پوشاک و ... بسنده نمی‌کند، بلکه از این امور فراتر رفته و به تحقق بخشیدن چیزی می‌پردازد که نمودار هدف قرآنی است و این هدف، تکامل یافتن و نزدیک شدن به آرمان برتر، یعنی خداوند بلندمرتبه است. (حکیم، ۱۳۸۷: ۴۱۳) بنابراین، در جامعه قرآنی انسان‌ها در پی دست یافتن به آرمان‌های والا هستند و اموری چون عدالت‌خواهی، انسان‌دوستی، ایثار و ... نه تنها عقب‌ماندگی تلقی نمی‌شود، بلکه همگان در پی تحقق این آرمان‌ها هستند.

از آنچه گفته آمد، مهم‌ترین شاخصه‌های جامعه قرآنی جلوه‌گر شد. در سایه تحقق این ویژگی‌هاست که اقتصاد، سیاست و فرهنگ جامعه سروسامان می‌یابد و تا زمانی که این امور محقق نشود، حتی اگر پیشرفتی هم در سیاست و اقتصاد و فرهنگ حاصل شود، سود این پیشرفت تنها نصیب قشر اندکی از جامعه می‌شود و اکثریت مردم در محرومیت به سر خواهند برد.

۳- وظایف ولی فقیه در جامعه قرآنی

پس از شناخت ویژگی‌های جامعه قرآنی از منظر قرآن، اکنون باید وظایف ولی فقیه را در جامعه اسلامی تبیین کنیم تا در گام بعد بتوانیم نقش ولی فقیه را در تحقق جامعه آرمانی در پرتو این وظایف تبیین نماییم.

از آنجا که ولی فقیه، حاکم جامعه اسلامی است، لذا در بدو امر تمامی وظایف یک حاکم بر عهده ولی فقیه است. با این حال ولی فقیه، به دلیل اینکه فقیه است، پاسدار همه دستوراتی است که خالق انسان، برای کمال انسانی به آن امر یا از آن نهی کرده است و از این رو، علاوه بر وظایف معمولی یک حاکم، وظایف بیشتری نیز بر عهده دارد. به طور کلی وظایف ولی فقیه را در محورهای زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱-۳. مسئولیت حفاظت از کيان دين

یکی از مهم‌ترین وظایف ولی فقیه حفاظت از کيان آسمانی و الهی است. این

مسئولیت از آنجا ناشی می‌شود که ولی فقیه تالی تلو معصوم است و یکی از وظایف معصوم نیز تنزیه قرآن کریم، از تحریف یا سو برداشت و نیز تقدیس سنت معصومین (علیهم السلام) از گزند اخذ به متشابهات و اعمال سلیقه شخصی و حمل آن بر پیش فرض‌ها و پیش ساخته‌های ذهنی دیگران است. همین رسالت در عصر غیبت، بر عهده فقیه جامع‌الشرایط خواهد بود؛ زیرا سرپرست نظام اسلامی، جامعه مسلمین را بر اساس معارف اعتقادی و احکام عملی کتاب و سنت معصومان اداره می‌کند و از این رو، باید پیش از هر چیز، به حفاظت و صیانت و دفاع از دو وزنه وزین بپردازد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۳۵) این شأن از شئون ولی فقیه با وظایف حاکمان معمولی تفاوت بسیار دارد؛ به بیان دیگر حاکمان غیر الهی تنها وظیفه حفاظت از تاج و تخت خود را دارند، در حالی که ولی فقیه مسئولیت حفاظت از کیان دین را عهده‌دار است.

۲-۳. مسئولیت افتاء

یکی دیگر از وظایف ولی فقیه مسئله اجتهاد مستمر با استمداد از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و مبانی استوار و پذیرفته‌شده در اسلام و پرهیز از التقاط مبانی قوانین الهی با مبانی حقوق مکتب‌های غیرالهی و مادی و دوری از آمیختن براهین و احکام عقلی با نتایج قیاس و استحسان و ... است؛ این مسئولیت‌ها را در یک کلام می‌توان در مسئولیت افتاء گنجانند. ولی فقیه در این زمینه تنها مسئولیت کشف و ابلاغ را بر عهده دارد و حق هیچ‌گونه دخل و تصرفی در احکام را ندارد؛ چراکه اسلام به نصاب کمال نهایی آمده و منزله از آسیب نقص و میرای از گزند فزونی است و راهی برای نفوذ نسخ و تبدیل و تغییر و یا تخصیص و تقیید بیگانه در آن وجود ندارد و احدی پس از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی‌آید که از وحی تشریحی برخوردار باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۳۸) این شأن از شئون ولی فقیه نیز اختصاص به او دارد و حاکمان غیرالهی چنین مسئولیتی ندارند.

۳-۳. مسئولیت ولاء

پس از کشف احکام الهی از مجاری مخصوص آن، وظیفه بعدی ولی فقیه شروع می‌شود و آن همان اجرای این احکام است. فقیه جامع‌الشرایط در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اعم از امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح و امور اقتصادی مانند منابع طبیعی و ... و امور سیاسی داخلی و خارجی مانند روابط بین‌الملل

و روابط میان قوا و نیز امور نظامی به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام ثابت الهی مبادرت می‌ورزد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۴۸) ولی فقیه در تمامی احکام فردی و اجتماعی پس از شناخت دقیق حدود هر حکم، وظیفه هر فرد و گروهی را در جامعه اسلامی مشخص و با هماهنگ ساختن سیستم اداره حکومت، جامعه را اداره و از تراجم احکام جلوگیری می‌کند. این شأن از شئون ولی فقیه هر چند با مسئولیت حاکمان غیرالهی شباهتهایی دارد، ولی در زمینه استخراج قوانین الهی و شناخت حدود و ثغور هر حکم، با حکومت حاکمان غیرالهی تفاوت ماهوی دارد.

۴-۳. مسئولیت قضاء

حاکم اسلامی، عهده‌دار شأن قضاء رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) نیز هست؛ به این معنا که نخست با اجتهاد علمی، مبانی و احکام قضاء اسلامی را از منابع اصیل آن به دست می‌آورد و سپس بر اساس همان علوم و احکام و بدون آنکه تصرفی از خود در آن‌ها داشته باشد، به رفع تخاصمات و اجرای احکام قضایی و صادر نمودن فرامین لازم می‌پردازد. این وظیفه حاکم اسلامی، یعنی تنفیذ عملی احکام صادرشده، برخلاف وظیفه افتاء، مربوط به عمل و در محدوده اجرای احکام اسلام است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۴۲) این مسئولیت حاکم اسلامی نیز هر چند تا حدودی با مسئولیت حاکمان غیرالهی شباهت دارد، اما در مسئله شناخت احکام قضایی با آن تفاوت دارد؛ چرا که در اینجا مسئولیت شناخت احکام و قوانین نیز بر عهده حاکم است، در حالی که در آنجا حاکم، تنها مجری احکامی است که از پیش تعیین شده است. گفتنی است در منابع اسلامی وظایفی مثل حفاظت از حاکمیت توحید، ایجاد وحدت، ایجاد امنیت، دریافت زکات، سرپرستی مصرف سهم امام، دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن، قبول وقف و ولایت غیب و قصر و ... (ر.ک: حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۲۴۰ - ۲۵۷؛ باهنر، ۱۳۷۳: ۵۷ - ۶۷؛ قاسمزاده، بی‌تا: ۸۹ - ۹۵؛ فرشادفر، ۱۳۸۶: ۴۳۳) نیز برای ولی فقیه ذکر شده است که همه این عناوین هر کدام تحت یکی از عناوین چهارگانه پیشین قابل جمع است.

۴- نقش ولی فقیه در تحقق جامعه قرآنی

با توجه به ویژگی‌های جامعه آرمانی قرآنی و وظایف ولی فقیه، اکنون باید دید نقش ولی فقیه در تحقق ویژگی‌های جامعه قرآنی چیست. برای تبیین این مقوله باید وظایف

ولی فقیه را محور بحث قرار دهیم و ارتباط این وظایف را با ویژگی‌های جامعه قرآنی و نحوه تحقق این شاخصه‌ها بررسی کنیم که در ادامه به این مقوله می‌پردازیم.

۴-۱- نقش ولی فقیه در حاکمیت توحید در جامعه

یکی از عرصه‌های دین که به صورت بالقوه قابلیت تغییر و تبدیل دارد، عرصه توحید است و چنان که حریم اندیشه توحیدی صیانت نشود، مشرکان و منافقان و غرض‌ورزان با ایجاد شبهه و سم‌پاشی، فضای جامعه را مسموم و از خط توحید و حاکمیت توحید منحرف می‌کنند؛ چنان که دربارهٔ ادیان آسمانی پیشین چنین کاری انجام شد و برای مثال دین توحیدی مسیحیت سر از وادی تثلیث و سه‌گانه پرستی درآورد. اگر حاکمیت جامعه در اختیار فقیه جامع‌الشرایط باشد، او بر اساس وظیفه ذاتی خویش از کیان آیین حفاظت می‌کند و مهم‌ترین رکن آیین هم توحید است؛ بنابراین، ولی فقیه از طریق تبیین ارکان یگانه‌پرستی در جامعه، تبیین مفهوم اعتماد و توکل به خداوند متعال، تبیین مفهوم یگانگی خداوند و ... نقش خویش را در تحقق حاکمیت توحید ایفا می‌کند.

۴-۲- نقش ولی فقیه در حاکمیت عدالت در جامعه

عدالت به هر معنایی که باشد، جز با تسلط کامل بر احکام اسلامی و اجرای دقیق آن‌ها میسر نمی‌شود. جامعه دارای ولایت، جامعه‌ای است که تمام استعدادها در آن امکان رشد دارد و انسان‌ها را به تکامل می‌رساند و این همان معنای صحیح عدالت است که در کلام امیر بیان نیز بدان اشاره شده است. (شریف رضی، ۱۴۲۳: حکمت ۴۳۷) در جامعه ولایی، ولی و حاکم، جامعه را در راه خدا قرار می‌دهد و آحاد آن را اهل ذکر و یاد خدا می‌کند، عدالت اجتماعی برقرار و حقوق و شرف انسان‌ها محترم شمرده می‌شود، نیکی‌ها اشاعه می‌یابد و از پلیدی‌ها جلوگیری می‌شود. در چنین جامعه‌ای ولی امر، مجری قانون خداست و از خود هیچ اراده و اختیاری جز اجرای دستورات شریعت و رعایت مصالح امت اسلامی نخواهد داشت. (جعفری‌پیشه‌فرد، ۱۳۸۱: ۵۰) افتاء و قضا در راستای برقراری حاکمیت عدالت در جامعه به کار گرفته می‌شود. در مقام افتاء، ولی فقیه از طریق مبانی صحیح، احکام و قواعد دین را شناسایی می‌کند و در مقام قضا - به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق تعیین ریاست منصب قضا - با به کار گرفتن این احکام، در دعاوی مردم داوری و بدین‌وسیله زمینه برقراری عدالت را مهیا می‌سازد.

۳-۴. نقش ولی فقیه در حاکمیت قانون الهی در جامعه

حاکمیت قانون الهی در جامعه شرایط و لوازمی دارد. از جمله اینکه کسی که می‌خواهد قانون الهی را در جامعه اجرا کند، نخست باید با قانون الهی آشنا باشد و بر راه‌های صحیح کشف قوانین الهی احاطه داشته باشد. این شأن، یعنی آشنایی با احکام الهی، یکی از شئون ولی فقیه است. در مسئولیت افتاء ولی فقیه باید از مجاری صحیح، قوانین الهی را بشناسد و آن‌ها را به مردم ابلاغ کند. پس از شناخت، نوبت به مرحله اجرای قوانین می‌رسد. در این مقام ولی فقیه با توجه به مسئولیت ولایی که بر عهده دارد، به اجرای قوانین می‌پردازد و بر اجرای صحیح آن‌ها نظارت می‌کند؛ بنابراین، روشن است که حاکمیت قانون الهی در جامعه قرآنی نیز که یکی از ویژگی‌های جامعه قرآنی است، جز با حاکمیت ولی فقیه بر شئون جامعه میسر نمی‌شود. این ولی فقیه است که با اجرای دو مسئولیت مهم افتاء و ولاء به حاکمیت قانون الهی در جامعه جامه عمل می‌پوشاند.

۴-۴. نقش ولی فقیه در تحقق آزادی در جامعه

یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسان، آزادی اوست. از طرفی زندگی در اجتماع ایجاب می‌کند که آزادی انسان‌ها نامحدود نباشد. پس لازم است حدی باشد تا آزادی بی‌قید و شرط را محدود کند و از طرفی حقوق طبیعی انسان را هم نادیده نگیرد. از میان همه حدود آزادی، از قبیل قانون، عدالت و ... تنها حدی که مشروعیت دارد، قانون الهی است. پس برای تحقق آزادی در اجتماع باید حدود آزادی هر فرد را در قانون الهی جستجو کرد. با توجه به مقام افتاء ولی فقیه، تنها مرجعی که می‌تواند حدود آزادی افراد را از قانون الهی استخراج نماید، ولی فقیه است که این مسئولیت را یا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به انجام می‌رساند. در مرحله اجرای این قوانین هم باز نقش ولای او وارد عرصه می‌شود. این ولی فقیه است که مسئولیت‌ها را تنفیذ و جایگاه هر یک از مسئولان را مشخص و زمینه اجرای صحیح مسئولیت‌ها را فراهم می‌کند؛ بنابراین، تحقق آزادی در اجتماع در پرتو مسئولیت افتاء و ولای ولی فقیه ممکن است.

۵-۴. نقش ولی فقیه در تحقق شادابی و سرزندگی در جامعه

در جامعه توحیدگرا، مردم از گنگی و کوری در امان هستند و بدین ترتیب زمینه شادابی و سرزندگی در آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین برای حفظ نشاط و سرزندگی در اجتماع باید

ایمان مردم تقویت و زمینه‌های بی‌ایمانی از میان برداشته شود. این مهم در پرتو مسئولیت حفاظت که بر عهده ولی فقیه گذاشته شده است، حاصل می‌شود؛ بنابراین، ولی فقیه با حفاظت از کیان آیین آسمانی، از سم‌پاشی‌های کافران و مشرکان و سست شدن ایمان مردم و درافتادن آن‌ها در وادی کورشدن و گنگ شدن جلوگیری و زمینه‌نشاط و سرزندگی را در جامعه فراهم می‌کند و با بصیرتی که دارد، نقشه‌های دشمنان و نقاط هدف دشمنان را می‌شناسد و نگاه‌ها را به دفاع از این نقاط متوجه می‌کند؛ چنان‌که امام علی (علیه السلام) در تبیین این شأن از شئون ولی فقیه می‌فرماید: «زمامدار همچون رودخانه‌ای عظیم است که رودهای کوچک از آن جاری می‌شود. اگر آب آن رودخانه گوارا باشد، آب رودهای کوچک نیز گوارا خواهد بود و اگر شور باشد، آب رودهای کوچک نیز شور خواهد بود.» (شریف رضی، ۱۴۲۳: خطبه ۱۴۶)

۶-۴- نقش ولی فقیه در حاکمیت ارزش‌های والا در جامعه

حکومت برای رهبران الهی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای احیای ارزش‌های الهی و اجرای احکام الله و اصلاح امت است. برای فقیه نیز حکومت هدف نیست، بلکه وسیله حاکم شدن مبانی اسلام و تثبیت ارکان توحید و ایجاد جامعه عدل و قسط و محیط امن و به دوراز هرگونه آلودگی و فحشا و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ... است. (دهقان، ۱۳۷۰: ۷۱) چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) پس از اینکه کفش وصله‌خورده خود را به ابن عباس نشان داد و او گفت که این کفش ارزشی ندارد، فرمود: «به خدا که ارزش این کفش نزد من از حکومت کردن بر شما بیشتر است؛ مگر اینکه به وسیله این حکومت حق را برپا یا باطلی را نابود کنم.» (شریف رضی، ۱۴۲۳: خطبه ۳۳) پس رهبر جامعه اسلامی باید وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی و ارزش‌های الهی باشد. برای همین لازم است که ولی فقیه با ارزش‌های والا آشنا و بر شیوه‌های تحقق این ارزش‌ها در جامعه آشنا باشد. هر دوی این عناصر در مسئولیت‌های ولی فقیه پیش‌بینی شده است. ولی فقیه بر اساس مسئولیت افتاء، احکام الهی و ارزش‌های اصیل انسانی و الهی را شناسایی و با بهره‌گیری از مسئولیت‌هایی مثل ولای و قضاء به تحقق این ارزش‌ها در جامعه اقدام می‌کند.

نتیجه گیری

از آنچه گفته آمد، نکات زیر را به عنوان خلاصه و نتیجه تقدیم می‌دارد:

۱- ولایت فقیه هرگز به معنای حاکمیت اراده شخص فقیه نیست و منظور از جامعه قرآنی نیز جامعه‌ای است که ویژگی‌هایی مثل حاکمیت توحید، عدالت، قانون الهی، حاکمیت ارزش‌های والای الهی و انسانی، آزادی افراد و نشاط و سرزندگی افراد را داشته باشد.

۲- ولی فقیه مسئولیت‌های بسیاری دارد که همه این مسئولیت‌ها را می‌توان ذیل چهار عنوان حفاظت از کیان آیین الهی، افتاء، ولاء و قضا تبیین کرد.

۳- ولی فقیه در راستای تحقق حاکمیت توحید در جامعه از طریق مسئولیت حفاظت از کیان آیین آسمانی که بر عهده او گذاشته شده است، اقدام می‌کند. در راستای تحقق حاکمیت عدالت در جامعه نیز از طریق مسئولیت‌های افتاء و قضا که بر عهده دارد، اقدام و این مهم را محقق می‌سازد.

۴- ولی فقیه در راستای تحقق حاکمیت قانون الهی در جامعه از طریق مسئولیت افتاء و ولاء که بر عهده او گذاشته شده است، وارد عرصه می‌شود و این مهم را محقق می‌سازد. تحقق آزادی افراد در جامعه نیز در پرتو مسئولیت افتاء و ولاء ولی فقیه میسر می‌گردد.

۵- نشاط و سرزندگی افراد در جامعه هم در پرتو مسئولیت حفاظت از کیان آیین آسمانی که بر عهده ولی فقیه است، فراهم می‌گردد.

۶- حاکمیت ارزش‌های الهی در جامعه نیازمند شناخت صحیح این ارزش‌ها و راه‌های نیل به آن‌هاست که این هر دو نیز در وظایف ولی فقیه در قالب مسئولیت‌های افتاء و قضا پیش‌بینی شده است.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۴: *النهایه فی غریب الحدیث*، تصحیح: محمود محمد طناحی، قم: اسماعیلیان.
- ۳- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴: *معجم مقاییس اللغه*، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵: *لسان العرب*، قم: نشر ادب.
- ۵- باهنر، محمدجواد، ۱۳۷۳: *مواضع ما در ولایت و رهبری*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- جعفر پیشه‌فرد، مصطفی، ۱۳۸۱: *ولایت فقیه*، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹: *وحی و نبوت*، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- _____، ۱۳۷۹: *ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت*، قم: مرکز نشر اسراء.

- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷: الصحاح، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۰- حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۷: ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
- ۱۱- حکیم، محمدباقر، ۱۳۸۷: جامعه قرآنی از دیدگاه قرآن، ترجمه: موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۲- خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۵: ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- ۱۳- دهقان، عزت‌الله، ۱۳۷۰: نظام آئین رهروی در اسلام، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴: المفردات فی غرایب القرآن، بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
- ۱۵- رضوانی، علی‌اصغر، ۱۳۸۵: نظریه‌پردازی درباره آینده جهان، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم.
- ۱۶- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۲۳: نهج البلاغه، تصحیح: سیدهاشم میلانی، نجف: مکتبه العلوویه المقدسه.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴: تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- ۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: العین، تصحیح: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، بی‌جا، بی‌نا.
- ۱۹- فرشاد فر، عزت‌الله، ۱۳۸۶: ولایت فقیه در نهج البلاغه، کرمانشاه: مرکز چاپ و نشر دانشگاه رازی.
- ۲۰- قاسم‌زاده، حسینعلی، بی‌تا: «وظایف ولی فقیه در کلام فقها»، مجله فقه و مبانی حقوق، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۸۵-۹۶.
- ۲۱- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۸۱: قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۲- کرمی فریدنی، علی، ۱۳۸۵: ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم: نسیم انتظار.
- ۲۳- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴: تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۵- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴: اسلام ناب در کلام و بیان امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.